

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

اولگ دمیترنکو (Oleg Dmitrenko)

برگردان: ا. م. شیری

۱۳ فبروری ۲۰۱۲

## آیا سوریه، در آستانه جنگ است؟

اوضاع پیرامون سوریه، در واقعیت خود، به کیفیت جدید پیش از آغاز جنگ فرامی روید. کسانی که برنامه حمله به ایران را تدوین می کنند، به عنوان گام اول برای سرنگونی بشار اقدام کرده اند. وتوی قطعنامه جنگ افزوانه شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه سوریه از سوی روسیه و چین، باعث شد که امریکا و متحدانش مسکو را به زیر آتشبار تهدیدات خود بگیرند. به این تهدیدات باید به سرعت و شدت عکس العمل تأخیر نشان داد. زیرا، خطر تجاوز نظامی هنوز باقیست، و به دنبال امریکا و المان، اجوبه های سیاست جهانی مانند قطر نیز روسیه را تهدید می کنند...

وزیر امور خارجی روسیه دلایل مسکو برای وتوی قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه سوریه را به طور دقیق توضیح داد. او گفت:

«در این قطعنامه مسائلی مطرح شده بود که باید تدقیق و روشن می شدند و در شکل فعلی خود حتی قابل اجراء نبود. به عنوان مثال، با اصرار زیاد از دولت سوریه می خواهد نیروهای امنیتی و واحدهای ارتش خود را از همه شهرها و مناطق مسکونی خارج ساخته و در پادگانها مستقر سازد. ما، مسائل واقعاً تکمیلی، به عقیده من، خیلی معمولی را پیشنهاد کردیم. این پیشنهاد شامل پایان دادن به خشونت از طرف گروههای مسلح و رها کردن مناطقی از شهرهایی می شود که آنها تصرف کرده اند. اگر همه چیز را آنچنان که هست، باقی بگذاریم، این بدین معنی است که از دولت می خواهیم به طور یک جانبه شهرها و روستاها را تحویل بدهد. این به معنی آن است که شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه غیر واقع بینانه تصویب می کند. خوب! به اساس کدام عقلانیت می توان تسلیم شهرها به گروههای مسلح را از دولت حاکم درخواست کرد؟ این پیشنهاد غلط همکاران، به مفهوم آن است که شورای امنیت به طرفداری از یک طرف، وارد جنگ داخلی می شود.»

بلافاصله پس از جلسه شورای امنیت، سوزان رایس، نماینده دائمی آمریکا در سازمان ملل متحد اعلام کرد که مسؤولیت خونهای ریخته شده شهروندان سوریه به دست رژیم اسد، بر عهده آنهاست است که قطعنامه را وتو کردند. هفتم فبروی رایس به روشنی باز هم بیشتری گفت:

«فکر می کنم هم روسیه و هم چین به ویژه، زمانی که با سوریه دمکراتیک جدید مواجه بشوند، از وتوی خود پشیمان خواهند شد و آن دور نیست». در باره این که آمریکا بودجه گروهای مسلحی را تأمین می کند که خون شهروندان عادی را می ریزند، خانم رایس مطلقاً سکوت می کند. این در حالیست که اتهام «توحش رژیم اسد» را حتی یک فاکت هم تأیید نمی کند. در باره همه اخبار و اطلاعات مربوط به شمار مجروحان و کشته شدگان، به داده های «اپوزیسیون» سوریه استناد می شود! به دنبال نماینده آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل متحد، معاون نماینده رسمی دولت المان، گئورگ اشتراپتر هم اظهار داشت که روسیه و چین مسؤول خونریزیها در سوریه هستند.

همزمان با آنها، نمایندگان اپوزیسیون سوری مقیم روسیه، علیه اعضای سازمانهای اجتماعی مخالف دخالت خارجی در سوریه اعلام جهاد کردند. در نامه ارسالی به کمیته همبستگی با خلقهای لیبیا و سوریه، سازمان اجتماعی بین المناطق و دیگر سازمانهای اجتماعی گفته می شود که «روز حسابرسی نزدیک می شود»... «ما... به شما اعلام جهاد می کنیم» (امضای زیر نامه: «قیام»).

به کارزار تهدید روسیه، همانطور که گفتیم، قطر هم پیوست. پیش از رأی گیری قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد وزیر امور خارجه قطر با مراجعه به ویتالی چورکین، نماینده دائمی روسیه در سازمان ملل متحد می گوید: «من به روسیه اخطار می کنم که اگر از وتوی خود صرف نظر نکند و به تصمیم سازمان ملل متحد رأی ندهد، تمام دنیای عرب را از دست خواهد داد». در پاسخ وی، چورکین بی سر و صدا می گوید: «اگر شما با این لحن با من صحبت بکنید، در این صورت، از همین امروز مفهومی به نام قطر دیگر وجود نخواهد داشت».

(si vous me parlerez une autre fois de cette façon, il n'y aura plus une telle chose comme le Qatar a partir d'aujourd'hui.)

در عرض سه روز کشورهای اسپانیا، ایتالیا، فرانسه، انگلیس و المان سفرای خود را از سوریه فراخواندند. آمریکا سفارت خود را در سوریه بست و کارکنانش را خارج کرد. هفتم فبروری بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی (همه ۶ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس) سفیران خود را از سوریه فراخواندند.

همزمان با اینها اتحادیه اروپا اعلام کرد که طرح مجموعه تحریمهای تازه ای را علیه سوریه آماده می کند. کار بر روی مجموعه فشارهای جدید می تواند تا ۲۷ فبروری پایان یابد. رویترز به نقل از دیپلماتهای اروپائی در بروکسل گزارش می دهد که ممکن است بانک مرکزی سوریه در لیست سیاه قرار گیرد، موجودی آن راکد و تمام معاملات فسخ شود. افزون بر آن، بر واردات و صادرات فسفاتها، سنگهای قیمتی، طلا و همچنین دیگر فلزات گرانبها ممنوعیت اعمال خواهد شد. لازم به یادآوریست که ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا تمامی ذخیره طلای موجود لیبیا و مصر در بانکهای خود را به سرقت بردند. آمریکا همچنین، همه دارائی های دولت ایران را در اراضی خود بلوکه کرد (در واقع نام دیگری جز سرقت نداشت). دستور سرقت آنها را شخص رئیس جمهور باراک اوباما صادر کرد.

رسانه های غربی در این باره که بشار اسد، رئیس جمهور سوریه در دیدار هفتم نومبر خود با سرگنی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه در دمشق، از برگزاری همه پرسی در آینده نزدیک برای تصویب قانون اساسی جدید سوریه خبر داد، سکوت کرده اند. امریکا، متحدان اروپائی و اعمار عرب آن طرفدار هیچ گونه راه حل سیاسی نیستند. آنها در صدد آنند که از طریق جنگ بر بحران اقتصادی غرب غلبه کنند. سوریه و ایران به عنوان هدف تعیین شده اند. به همین جهت، برای «جامعه جهانی» فرقی نمی کند که تهران و دمشق برای حل و فصل مسالمت آمیز مسائل، چه گامهائی برمی دارند. چگونه ممکن است کاربرد تسلیحات کشتار جمعی علیه کلان شهرهای اروپا و امریکا در حال حاضر بتواند ماشین جنگ را متوقف سازد؟ نه ایران و نه سوریه فعلا چنین سلاحی در اختیار ندارند. اما تعجیل مقامات غربی قابل درک است. آنها دو دلیل اساسی دارند: انتخابات در روسیه و ایران. قبل از هر چیز، شروع جنگ علیه سوریه تا ماه مارچ برنامه ریزی شده است. به تاریخها توجه کنید: ۲ مارچ ۲۰۱۲ انتخابات سراسری مجلس در ایران و ۴ مارچ انتخابات ریاست جمهوری در روسیه برگزار می شود و از هم اکنون برنامه نامشروع شمردن آنها طراحی می شود. در جبهه سوریه برای تأثیرگذاری بر روی ایران و روسیه به شدت هماهنگ عمل می کنند.

در چنین شرایطی، موضع سفت و سخت مسکو در قبال مسأله سوریه، همانطور که گفت و گوهای هفتم فیروزی سرگنی لاوروف و میخائیل فرادکوف در دمشق نشان داد، امیدوار کننده است. مسکو و دمشق در ماه جنوری قرارداد تحویل ۳۶ فروند هواپیمای آموزشی- جنگی «پاک ۱۳۰» را منعقد کردند، که موجب نگرانی شدید و ایشنگتن گردید. از این هواپیماها با توجه به موقعیت محلی، می توان علیه دسته های چریکی و همچنین، علیه دسته های هوایر متجاوزانی که برای نفوذ به خاک سوریه از مرزهای کشورهای همسایه و یا از طریق دریا آماده می شوند، استفاده کرد. شکی نیست که اگر سوریه و ایران موشکهای اس-۳۰۰ یا مدل جدیدتر آنها و همچنین موشکهای بالدار و ضد کشتی و ابزارهای دفاع الکترونیکی پیشرفته تر از آن را که با موفقیت هواپیمای جاسوسی (-RQ-۱۷۰) امریکا را در چهارم دسمبر در مرزهای شرقی جمهوری اسلامی ایران شکار کرد، در اختیار داشتند، خیلی راحت می توانستند متجاوزان را آرام سازند.

و اما اگر تحویل تسلیحات دفاعی به ایران و سوریه با دوره سرمای شدید همزمان گردد، به موازات آن، یک ساعت اختلال در انتقال گاز روسیه به اروپای سرما زده، شاید، بتواند مانع دیگری در مقابل جنگ و به سود حل و فصل مسالمت آمیز به وجود آورد...

\* \* \*

۲۲ جون سال ۱۹۴۱، المان نازی با حمله بر اتحاد شوروی بدون اعلان جنگ، فصل جدیدی را در مناسبات بین المللی باز کرد. از اوایل ماه فیروزی سال ۲۰۱۲ نیز خطر «غنی سازی» سیاست جهانی با نوآوریهای تازه، یعنی: قطع روابط دیپلماتیک عملا بدون رعایت موازین حقوقی آن، به رسمیت شناختن باندهای مسلح و اوباشان مصمم به تسخیر «حاکمیت» کشورها همراه با اعزام واحدهای نظامی کشور ثالث به اراضی آنها تحت عنوان «کمک» به باندهای دست آموز آغاز شد. در همه حال، هیچ کس منتظر شروع جنگ داخلی در سوریه نخواهد ماند. ابزار تخریب دولتمداری سوریه تحت پوشش تجاوز نظامی برخی «نیروهای ائتلافی» طراحی شده و آتش «جنگ جهانی سوم» عملا و فعلا بدون به کارگیری تسلیحات کشتار جمعی، در حال شعله کشیدن است.

## تذکر:

مترجم سطور فوق بر این باور است که شاید پاسخ صریح به سه سؤال زیر بتواند کمک شایان توجهی به تعیین و تشخیص علل بسیاری از حوادث منطقه و جهان بنماید:

۱- چرا معترضان به رژیمهای دیکتاتوری لیبیا و سوریه فوراً مسلح شده و مورد حمایت «جامعه جهانی» قرار گرفتند ولی معترضان به رژیمهای دیکتاتوری- سلطنتی تونس، مصر، یمن، عربستان سعودی، قطر، بحرین، اردن و... هیچ گاه مسلح نشدند و شورای امنیت سازمان ملل متحد هم برای جلوگیری از کشتار شهروندان این کشورها قطعنامه صادر نکرد؟

۲- چرا امپریالیستهای غرب و فراشان منطقه ئی آنها مثل صهیونیستهای اسلامی ترکیه، پادشاهان عربستان، قطر، مراکش، اردن،... و امثال غربی آنها که در اشغال و ویرانی لیبیا و کشتار مردم، سرنگونی دولت و غصب ثروتهای آن از هیچ کوششی دریغ نکردند، اینک برای بر هم زدن سوریه و برکناری دولت و رئیس جمهور این کشور تلاش می کنند؟ آیا آنها خودسرانه عمل می کنند، یا یک دولت نامرئی موسوم به کمیته ۳۰۰ آنها را هدایت می کند؟

۳- گروههای مسلحی که با فریادهای "الله اکبر" (توجه کنید: در زبان عربی حرف «گ» وجود ندارد)، فجایع غیر قابل جبرانی را بر لیبیا تحمیل کردند و امروز در سوریه نقش آفرینی می کنند، همان ارتش مزدورانی نیستند که روزنامه نیویورک تایمز در مقاله ۱۴ ماه مه خود با اشتیاق می نویسد:

«کلمبیانی ها تحت پوشش کارگران ساختمانی، با مهر مخصوص ضداطلاعات ارتش امارات متحده عربی در روادیشان به منظور بستن دهان مأموران گمرک و کارکنان خدمات مهاجرتی از دادن سؤال اضافی به آنها، به امارات متحده عربی منتقل می شوند و در واحدهای اریک پرینس، رئیس پیشین بلاک واتر، به خدمت گرفته می شوند. زیرا، او ریسک نمی کند که برای کشتن مسلمانان از مزدوران مسلمان استفاده کند.»

<http://www.fondsk.ru/news/2012/02/08/sirija-kanun-vojny.html>

<http://eb1384.wordpress.com/2012/02/12>

۲۳ بهمن [دلو] ۱۳۹۰